

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۱ اپریل ۲۰۲۰

"تئوری توطئه" و واقعیت جنایات امپریالیسم امریکا

۱

بهمجرد این که ویروس کرونا (تاجدار) در چین رواج یافت فوراً این شایعه قدرت گرفت که این کار، کار امریکائی-هاست زیرا می‌خواسته‌اند رقیب اقتصادی سرسخت خود را با توسل به جنگ میکروبی از میدان بدر کنند. مخالفان، آوردنگان این نظریه را پیروان "نظریه توطئه" قلمداد کردند و استدلال نمودند که همهگیری این بیماری می‌تواند دامن سرمایه‌داری غرب و امریکا را نیز بگیرد و برای قوت استدلال خود به‌سرنوشت ایتالیا اشاره می‌کردند. در مقابل مخالفان مدعی می‌شدند که اگر امریکا موفق شده باشد پادزهر این ویروس را قبلاً تولید کرده باشد نه تنها اقتصاد چین را نابود می‌کند، بلکه با فروش پادزهر این بیماری مشکلات اقتصادی خود را نیز برطرف خواهد کرد. واقعیت این است که هیچ کدام از این ادعاها را نه می‌توان ثابت و نه می‌توان رد کرد. گذر زمان حقایق را نشان خواهند داد. ولی ما می‌خواهیم یک حقیقت تاریخی را که گذر زمان تا کنون نشان داده است و دیگر قابل کتمان نیست، به‌اطلاع مردم ایران برسانیم تا خود بتوانند بر اساس این اطلاعات غیرقابل انکار در مورد احتمالات کنونی و یا آتی داوری نسبتاً عینی داشته باشند.

ما می‌خواهیم ثابت کنیم که امپریالیسم امریکا دارای آن چنان خوی و خلق جنایتکارانه‌ای هست تا برای پیشبرد مقاصد جنایتکارانه خویش به‌چنین اعمال شنیعی دست یازد و حتی از مرزهایی گذر کند که تصورش از قدرت تخیلات انسانهای عادی نیز فراتر می‌رود.

برای این منظور ما ناچاریم حتی پاره‌ای از مقالات گذشته توفان را که جنبه تاریخی دارند مجدداً تجدید چاپ نمائیم. امریکا در جنگ جهانی دوم با پرتاب دو بمب اتمی به شهرهای ناکازاکی و هیروشیما صدها هزار از مردم غیرنظامی جاپان را قتل عام کرد تا به‌ادعای خود جاپانی‌ها را در جنگ جهانی دوم به تسلیم وادارد. استدلال آقای ترومن که رئیس جمهور وقت امریکا بود برای پرتاب این بمبها این بود که با پایان جنگ جان میلیونها نفر مردم دیگر نجات داده شده است و لذا نباید برای کشته شدن چند صد هزار از مردم غیرنظامی جاپان عزاداری کرد.

این سخنان رئیس جمهور امریکا دروغ ناب بود. زیرا دولت جاپان مدت‌ها قبل بعد از این که المان‌ها شکست خورده بودند حاضر به تسلیم شده بود و این آمادگی خود را توسط سفیر جاپان در مسکو به رفیق ستالین اطلاع داده بود. وزارت

خارجاً اتحاد جماهیر شوروی فوراً متفقان از جمله امریکا و بریتانیا را از این پیشنهاد مطلع کرده بود تا مشترکاً به اتخاذ تصمیم دست بزنند. امریکا با پذیرش تصمیم تسلیم جاپان مخالفت کرد زیرا در نظر داشت با حضور خود در اقیانوس آرام و پرتاب بمب اتمی نه تنها انتقام شکستش را در بندر "پال هابر" از جاپانی‌ها بگیرد نه تنها زهر چشمی هم با بمب اتم خود از دولت شوروی سوسیالیستی بگیرد، بلکه بمب اتمی خویش را نیز آزمایش کرده و جای پای خویش را در اوقیانوی آرام محکم کرده شوروی را از سمت شرق کنترل نموده و پایگاههایی برای تجاوز به شوروی سوسیالیستی و چین تودهنی در شرق آسیا تأسیس کند. جان صدها هزار جاپانی و حتی سربازان امریکائی که قربانی تشعشعات اتمی می‌شدند برای امپریالیسم امریکا ارزشی نداشت.

امپریالیسم امریکا سپس به مستعمره سابق جاپان، کشور کوریا حمله کرد که ارتش آزادیبخش کوریا به رهبری کیم ایل سون آن را آزاد کرده بود. آزادی کوریا در کنار آزادی چین و همسایگی با شوروی و چین در ستراتیژی مرگ امپریالیسم امریکا جایی نداشت. این بود که ارتش امریکا بهیاری جاپانی‌های شکست خورده در کوریا آمد و بهیاری ارتش امریکا و عمال استعمار جاپان که حالا با امریکا همکاری می‌کردند به کشور کوریا حمله کرد و نیروهای ارتش آزادیبخش را با قتل عام مردم کوریای جنوبی به عقب راند و زمانی که پارتیزانهای چینی به صورت داوطلبانه برای یاری به کمونیستهای کوریائی به کشور کوریا وارد شدند مرز آتش بس کنونی که سرحد کوریای شمالی با کوریای جنوبی است به وجود آمد. ولی جمهوری دموکراتیک کوریای شمالی برای بقاء خود بهای سنگینی را پرداخت که ناشی از جنایات ضد بشری امریکا و جنگ بیولوژیک آنها در کوریای شمالی بود. حال به یکی از این اسناد منتشر شده در گذشته توجه کنید:

"جنایت ضد بشری بر ضد خلق کوریادر تجاوز به کوریا"

بعد از ۲۵ ماه جولای ۱۹۵۰ که نیروهای آزادیبخش ارتش جمهوری دموکراتیک کوریا برای آزادی خاک کوریا به- نیروهای دست‌نشانده جاپان و امریکا حمله کردند، تلاشهای ارتش امریکا در "اردوگاه دتريک" (Camp Detrick)- (کارخانه ای برای ساختن مواد میکروبیولوژیک جنگی که در فورت دتريک بود- فورت دتريک تأسیسات نظامی بود که در سال ۱۹۴۳ توسط ارتش امریکا در کمپ دتريک ایجاد شده بود- توضیحات توفان)- برای ساختن سلاحهای کیمیائی، میکروبیولوژیک و... افزایش یافت. فرانک اولسون که یک پژوهشگر برجسته امریکائی برای ساختن سلاحهای میکروبیولوژیک بود، در تمام این تحقیقات دست داشت. وی از تجارب و آزمایشات نازی‌ها بر روی اسرای جنگی در جنگ جهانی دوم استفاده کرد. از جمله از تجارب جنرال جاپانی "ایشی شیرو" (Ishii Shiro) ولی این جنرال ایشی شیرو چه فردی بود. پزشک‌نمای شیطان‌صفت:

ایشی شیرو مسؤولیت کشتار ۳۰۰ هزار نفر را در چین و شوروی به عهده داشت. وی بر روی ۳ تا ۱۰ هزار از اسرای چینی و شوروی آزمایشهای میکروبیولوژیک کرد و در خاتمه جنگ برای این که اسناد به دست متفقین نیفتد، ۱۵۰ نفر اسرای جنگی باقی مانده را که تحت تأثیر آزمایشات وی قرار داشتند، برای نابودی رد پای و مدارک به قتل رسانید. وی یکی از دانشمندان جاپانی بود که بر روی سلاحهای کشتار جمعی میکروبیولوژیک و کیمیائی تحت نظر ارتش و سازمان جاسوسی جاپان کار می‌کرد و تجارب خویش را از زمان جنگ جهانی اول جمع‌آوری نموده بود. وی داروها و باکتری‌ها و میکروبهای خویش را بر روی انسانها و اسیران جنگی و مردمان مناطق اشغالی آزمایش می‌نمود. "تولارمی" (Tularemia) یا "تب خرگوش" (Rabbit fever)، "زخم سیاه" (Anthrax)، "طاعون"، "وبا" و... بسیاری باکتریهای خطرناک و مسری در حد استفاده صنعتی و جنگی، در آزمایشگاههای فاشیستها و نازی‌ها آماده می- شدند، تا در جنگ جهانی دوم به ضد متفقین به کار گرفته شوند. در المان دکتر "منگله" (Mengele) و در جاپان جنرال

"ایشی شیرو" مسؤولت این جنایات را به‌عهده داشتند. "ایشی شیرو" از انسان برای آزمایشات خویش، به‌جای خوک هندی آزمایشگاهی استفاده می‌کرد، زیرا که خوکهای هندی نمی‌توانستند نتایج دقیقی را به دانشمندان عرضه کنند که از انسانهای زنده انتظار می‌رفت. وی اسراء را در تحت سرما قرار داده و درجه حرارت را به‌قدری کاهش می‌داد تا درجه تحمل انسانها را در ده‌ها درجه سرمای زیاد زیر صفر تعیین کند. وی انسانها را در تحت فشار هوا قرار می‌داد تا مرز مرگ و زندگی را در شرایط تحت فشار تخمین زند.

بعد از جنگ "شیرو" به‌عنوان جنایتکار جنگی دستگیر شد و وعده کرد که تمام اسرار جنایات و نتیجه تحقیقات خویش را در اختیار ارتش امریکا قرار دهد تا آنها از این تحقیقات به ضد کمونیستها استفاده کنند. آنها نتایج این آزمایشات را در ۲۲ نومبر ۱۹۵۲ در کوریا مورد استفاده قرار دادند.

در سال ۱۹۴۶ ایالات متحده امریکا یک قرار داد سری با "ایشی شیرو" که مسؤول واحد نظامی میکرو بیولوژیک ۷۳۱ بود امضاء کرد. در ازای همکاری وی با امریکائی‌ها مصونیت پیدا کرد و راهی امریکا شد و در دادگاه جنایتکاران جنگی در نورنبرگ محاکمه نگردید. مبتکر این قرار داد جنرال "چارلز اندرو ویلوی" (Charles Andrew Willoughby) بود. وی یک جنرال فاشیست و در زمان جنگ کوریا زیر نظر جنرال مک آرتور رئیس سازمان جاسوسی فرماندهی عالی برای قدرت متفقین بود

(Supreme Commander for the Allied Powers(SCAP)). وی به‌نتایج این تحقیقات برای جنگ کوریا نیاز داشت.

حال که با یک جنایتکار جنگی که مصونیت امریکائی پیدا کرد، آشنا شدیم خوب است که دوباره به‌نتایج پژوهشهای خود امریکائی‌ها برگردیم.

فرانک اولسون سرانجام بعد از این که مدتها شاهد جنایات امریکائی‌ها و استفاده از بمبها و گلوله‌های میکروبی در جنگ کوریا به ضد کوریای شمالی و داوطلبان چینی بود، وجدانش تاب نیاورد و نتوانست تحمل کند و با ناراحتی وجدان از کار کنارگیری نمود. ولی سازمان سیا نمی‌توانست کسی را با این همه اطلاعات به‌امان خدا رها کند. از کجا معلوم که این وجدان ناراحت دسته گلهای بیشتری به‌آب نهد و اسرار جنایات امریکا را برای افکار عمومی برملا نکند. وی به‌دست سازمان سیا ترور شد. تمام اسناد مربوط به این جنایات هولناک و تکان‌دهنده را می‌شود در کتاب "نام مستعار آرتی شوک، آزمایشات سری بر روی انسانها توسط سازمان سیا" (Deckname Artischocke) (اثر اگمونت. ر. کخ Egmont R. Koch و میثائیل وش Michael Wech) مطالعه کرد. - اضافه بر آنچه که در نشریه توفان شماره ۱۶۶ منتشر شده است، اسناد منتشره جدید در المان حاکی از آن است که بعد از جنگ در اثر پیگیری خانواده اولسون دولت امریکا مجبور به‌اعتراف به‌این قتل شد و به‌خانواده اولسون خسارت داد و رئیس سازمان سیا ویلیام کلبی و رئیس جمهور وقت امریکا آقای جرالد فورد رسماً از جانب دولت امریکا از این خانواده پوزش خواست. مراجعه شود به‌نشریه زود دویچه سابتونگ مؤرخ شنبه/یکشنبه ۰۲/۰۱ فیروزی ۲۰۲۰ شماره ۲۶ تحت عنوان "چه کسی فرانک اولسون را کشت؟" - ارتش امریکا این مواد میکروبیولوژیک را در سال ۱۹۵۰ بر روی ۲۵ سرباز اسیر کوریائی در زمان جنگ آزمایش کرد. یک‌روز بعد از عبور ارتش آزادیبخش جمهوری دموکراتیک خلق کوریا از مدار ۳۸ درجه به‌سمت جنوب کشور و آزادی سراسر خاک کوریا، با فشار امریکا و در همان روز و در غیاب نماینده شوروی در شورای امنیت که در جلسه به‌علت اعتراض به‌نقض حقوق قانونی جمهوری توده‌ئی چین و واگذاری آن به‌جزیره فارموسا[تایوان] در شورای امنیت شرکت نداشت، ۲۲ کشور موافقت خود را به‌همدستی با امریکا برای تجاوز به‌کوریا و اعزام قوای نظامی به‌نام "ملل متحد" که باید حافظ صلح و امنیت ممالک باشد، اعلام کردند.

ارتش ارتجاعی امریکا و متحدانش که به‌کشتار بی‌امان در مناطق اشغالی خود دست زدند و سازمانهای مردمی و نهضت‌های مقاومت را سرکوب کردند، سرانجام موفق نشدند اراده مردم کوریا را درهم بشکنند. آنها برای جلوگیری از شکست خود و قتل عام داوطلبان چینی و ارتش آزادیبخش به‌استفاده از سلاحهای کشتار جمعی دست زدند. در کنار آن با یاری عمال خویش در کوریای جنوبی ۲۰۰ هزار نفر را اعدام کردند که در بیش از ۱۶۰ گورستان دسته جمعی دفن شده‌اند. روزنامه المانی "زود دوپچه سایتونگ" در ۶ و ۷ ماه سپتامبر ۲۰۰۸ نوشت: "مأموران حکومت با رشو‌دهی و تهدید افراد به‌شهادت‌های دروغین اعضاء جمعیت "بُدو (Bodo-Liga) را که یک سازمان چپ بود، به‌ویژه در تابستان ۱۹۵۰ قبل از آغاز جنگ کوریا، قتل عام کردند. "این شهادتها برای توجیه "تصفیه‌ها" و قتل‌های دسته جمعی کافی بود."

تعداد این قتل‌ها به ۲۰۰ هزار نفر می‌رسد. "در پاره‌ای از موارد بر اساس مدارکی که اخیراً در امریکا قابل بازبینی هستند، سربازان امریکائی نیز در این کشتار همکاری می‌کردند. تصاویر این تیربارانها را در واشنگتن پیدا کرده‌اند. مسلماً جنرال مک آرتور که جنگ کوریا را رهبری می‌کرد و پنتاگون از این ماجرا با خبر بودند. امریکائی‌ها برخی از این تیربارانها را به‌صراحت تأیید کرده‌اند و اخبار مربوط به‌آنها را به‌عنوان "بشدت محرمانه" دسته بندی کرده‌اند. این کشتار جمعی تا چند سال پیش در کوریای جنوبی ناشناخته و تابو بود (البته مطبوعات غربی آن را کتمان می‌کردند و دروغ پخش می‌کردند و گرنه کشتار وحشتناک در کوریای جنوبی به‌دست سینگ مان ری و ارتش امریکا حقیقت همه دانسته بود-توفان) فقط از زمانی که رئیس جمهور لیبرال "روه مو-هیون" (Roh Moo-hyun) کمیسیون حقیقت یاب را در سال ۲۰۰۵ به‌وجود آورد تا نه تنها موارد تیربارانها، بلکه موارد نقض حقوق بشر در سه دهه اخیر حکومت نظامی را نیز بررسی کند" بر ملا شد.

بر اساس تحقیقات این کمیسیون در گورستانهای تا کنون گشوده شده، همه مقتولان را با شلیک در مغز به‌قتل رسانده‌اند. این نوع قتل نشانه آن است که مجرمه را نمی‌شود، ساختگی کنار هم قرار داد و کوهی از آن ساخت تا حکومت‌های مخالف را بی‌اعتبار کرد. این مجرمه‌ها، مجرمه مرده‌ها نیستند، مجرمه تیرباران شده‌ها هستند. در حالی که آقای "آهن بیون اووک" (Ahn Byung Ook) رئیس کمیسیون حقیقت یاب گشودن ۱۶۰ گور دستجمعی را لازم می‌داند، رئیس جمهور بعدی کوریا آقای "لی میونگ باک" (Lee Myung Bak) مخالف ادامه حقیقت‌یابی و شفافیت است که پرده از روی جنایات حکومت‌های کوریای جنوبی و امپریالیستها بر می‌دارد. (ادامه دارد...)

[برگرفته از توفان شماره ۲۴۱ فروردین ماه ۱۳۹۹ مارس ۲۰۲۰](#)

[ارگان مرکزی حزب کار ایران \(توفان\)](#)

[صفحه حزب کار ایران \(توفان\) در شبکه جهانی اینترنت](#)